

معیشت مردم با وعده‌های انتزاعی بسامان نمی‌شود

سختان حمیدرضا حاجی بابایی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در دفاع از رویکرد «تصویب عین لایحه بودجه دولت» و سپردن اجرای آن به دولت با شرط «پاسخگویی در پایان ۱۴۰۵» در نگاه اول ممکن است به عنوان یک زست همدلانه با دولت و تمرکز بر «معیشت مردم» جلوه کند، اما با نگاهی دقیق تر، این موضع نه تنها از عمق بحران معیشتی مردم غافل است، بلکه مجلس را به عنوان قوای ناظر و قانونگذار، به حاشیه رانده و مسئولیت اصلی نمایندگان را به یک وعده انتزاعی در پایان سال موکول می‌کند.

این رویکرد، تصویری تلخ از یک دولت ناکارآمد و مجلسی منفعل ترسیم می‌کند که به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند، معیشت روزمره مردم است.

مجلس مگر نماینده مردم ایران نیست؟ چرا این قدر منفعل عمل می‌کند و به جای ایستادن در برابر ناکارآمدی‌ها، با آن همسو می‌شود؟

جایگاه مردم در این ارز افسارگسیخته، گرانی روبه‌روز کالا و فشارهای طاق‌تف‌رسای معیشتی کجاست؟

طبق اصل ۵۲ قانون اساسی، مجلس موظف است لایحه بودجه را بررسی، اصلاح و تصویب کند تا منابع عمومی به نفع مردم هدایت شود.

حاجی بابایی با تأکید بر اینکه «مجلس دست‌نر یساً حکم جدیدی نمی‌نویسد» و «بودجه را به صورت جدول و با حکم دولت» می‌پذیرد، عملاً این اصل را به یک بند تشریفاتی تبدیل می‌کند.

این رویکرد، ادعای دولت مبنی بر «دستکاری مجلس» را با یک مصالحه ظاهری پاسخ می‌دهد، اما در عمل، به دولت اجازه می‌دهد بدون نظارت واقعی، منابع را «از طریق تخصیص جابه‌جا کند».

این جابه‌جایی‌ها- که خود حاجی‌بابایی به آن اشاره می‌کند- می‌تواند به تخصیص‌های دلخواهانه (مانند هزینه‌های غیر ضروری یا پروژه‌های سیاسی) منجر شود، بدون اینکه مجلس بتواند دخالت کند.

نتیجه؟ بودجه‌ای که قرار است «معیشت‌محور» باشد، در عمل به ابزاری برای حفظ قدرت تبدیل می‌شود و مردم تا پایان ۱۴۰۵ منتظر «پاسخگویی» می‌مانند.

این کجای منطق است که نمایندگان منتخب مردم، به جای فشار برای اصلاح فوری، بگویند «هر شکلی که صلاح می‌داند اجرا کند، به شرطی که مردم راضی باشند»؟

رضایت مردم که با وعده‌های کاغذی تأمین نمی‌شود، نیاز به اقدام عملی دارد. دولت که نتوانسته است تورم را مهار کند و از راه افسارگسیخته رها کرده، حالا با حمایت مجلس منفعل، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند.

مگر نه اینکه هر دو قوه، مستقیماً مسئول معیشت مردم هستند؟ چرا به جای همکاری واقعی برای کاهش گرانی‌ها، به یک‌دیگر پاسخکاری می‌کنند و مردم را در میان این بازی سیاسی تنها می‌گذارند؟

حاجی‌بابایی می‌گوید: «لولیت اول بودج، معیشت مردم است» و باید «مشخص شود این وضعیت یک سال یا شش ماه ادامه پیدا می‌کند»، اما این حرف‌ها در برابر واقعیت‌های تومی، بوج به نظر می‌رسد.

نرخ تورم سالانه در آبان ۱۴۰۴ در ۴۰٫۴ درصد رسیده و پیش‌بینی‌ها برای پایان سال ۱۴۰۴، ۱۱/۱ درصد نقطه‌به‌نقطه و برای ۱۴۰۵ حدود ۵۵ درصد را نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی، آیا منطقی است که بگوییم «معیشت مردم یک سال طول بکشد و دولت پاسخگو باشد»؟ این نه همدلی، بلکه نوعی بی‌تفاوتی ساختاری از سوی هر دو قوه است.

مردم- از کارگران تا بازنشستگان- روزانه با افزایش قیمت‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند و نمایندگان به جای تنظیم «کالابرو و حقوق» بر اساس تورم واقعی، به دولت سپردن و صبر کردن را پیشنهاد می‌کنند.

جالب این است که خود حاجی‌بابایی در انتقاد از لایحه، از «افزایش‌های محدود حقوقی» گلایه کرده و گفته افزایش ۲۰ درصدی حقوق «نمی‌تواند مشکلات معیشتی را حل کند».

پس چرا مجلس با تصویب عین لایحه (که همین ۲۰ درصد را پیشنهاد می‌دهد)، این افزایش ناکافی را تأیید می‌کند؟ این تناقض، نشان‌دهنده آن است که حرف‌های معیشت‌محور، بیشتر برای سرپوش گذاشتن بر عدم اقدام است.

کاربری به درستی اشاره کرده است: با تورم بالای ۴۰ درصد و دلار که نوساناتش زندگی را فلج کرده، افزایش ۲۰ درصدی حقوق (یا حتی ۳۶ درصدی برای بازنشستگان با متناسب‌سازی) نه‌تنها کفاف نمی‌دهد، بلکه قدرت خرید را بیشتر کاهش می‌دهد.

نمایندگان- که بسیاری‌شان با نامه‌نگاری برای افزایش حقوق خودشان، نقش فعالی ایفا کرده‌اند- حالا می‌گویند «بودجه غیرمعیشتی رد می‌شود»، اما در عمل، لایحه را بدون تغییر می‌پذیرند.

این دوگانگی، ریشه در یک مشکل عمیق تر دارد: مجلس به جای فشار بر دولت برای اصلاح ساختار بودجه (مانند کاهش هزینه‌های غیر ضروری یا مهار تورم- از طریق سیاست‌های پولی)، به یک «همصدایی» ظاهری با قوه مجریه و قضائیه بسنده می‌کند، در حالی که پست‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی، بودجه را «غریب» برای مردم توصیف می‌کرد. این افزایش ناآگاهی تأیید می‌کند که این موضع مجلس را به عنوان نهادی منفعل نشان می‌دهد.

دولت ناکارآمد که نتوانسته است جلوی گرانی روبه‌روز کالا را بگیرد و مجلس منفعل، هر دو در برابر این بحران ساکت مانده‌اند.

جایگاه معیشت مردم کجاست وقتی ارز افسارگسیخته شده و هر روز نان شب خانواده‌ها در خطر است؟ این موضع، مجلس را از یک قوه ناظر به یک مهر تأییدکننده لولای دولتی تبدیل می‌کند و مردم را در رنج تورمی تنها می‌گذارد.

منطق «پاسخگویی در پایان ۱۴۰۵» در برابر سختی‌های روزانه بی‌معنی است: مردم نمی‌توانند یک سال منتظر بمانند تا ببینند آیا دولت «راضی‌کننده» بوده به نه. نمایندگان و دولتمردان، هر دو باید پاسخگو باشند: مجلس مگر نه نماینده مستقیم مردم است؟ پس چرا منفعل عمل می‌کند و به جای زیر سؤال بردن ناکارآمدی‌های دولت، با آن هم پیمان می‌شود؟ دولت هم، با لایحه‌ای ضعیف و بدون برنامه واقعی برای معیشت، نشان می‌دهد اولویتش حفظ ساختارهای کهنه است، نه رفاه مردم.

نمایندگان و مسئولان اجرایی باید با:

اصلاح فوری لایحه: حداقل افزایش حقوق را به ۴۰ درصد (همتراز تورم) برسانند و نظارت بر تخصیص‌ها را الزامی کنند.

فشار برای مهار تورم: با قوه قضائیه و مجریه، بر کاهش هزینه‌های بودجه‌ای (مانند پروژه‌های غیر ضروری) تمرکز کنند و ارز را از افسارگسیختگی خارج سازند.

شفافیت واقعی: گزارش‌های ماهانه از اجرای بودجه منتشر کنند، در صبر تا پایان سال تا مردم ببینند آیا واقعاً به معیشت‌شان فکر می‌شود یا نه.

در نهایت، این رویکرد نه‌تنها منطق ندارد، بلکه خیانت به امانت مردم است. دولت ناکارآمد و مجلس منفعل، هر دو را زیر سؤال می‌بریم؛ چرا به تنها چیزی که فکر نمی‌کنید، معیشت مردم است؟ مجلس اگر واقعاً «تمام قد پای کار» است، باید ثابت کند- نه با حرف، بلکه با عمل- و دولت را وادار به مسئولیت‌پذیری کند. مردم ایران شایسته پیش از وعده‌های توخالی هستند، آنها شایسته اقدام فوری برای رهایی از گرانی و فشارهای معیشتی هستند.

دستور رئیس عدلیه برای تعقیب و مجازات اخلاگران اقتصادی

حکم اخلال در نظام اقتصادی اعدام است



و معیشت آنها وارد می‌آورند، کسانی که حتی

ممکن است قصدشان با قصد دشمن، یکسان می‌آورند، کسانی که حتی ممکن است قصدشان با قصد دشمن یکسان باشد، باید به این افراد، هشدار و انذار دهیم و چنانچه توجه نکردند، ضروری است از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح، با جدیت تعقیب و مجازات شوند؛ مجازاتی که متناسب با عمل آنها در شرایط امروز است. باز هم تأکید می‌کنم که حتی ممکن است قصد این افراد ضربه به نظام نیز نباشد، اما عمل شان، همان خواسته دشمن را محقق می‌کند.

رئیس دستگاه قضا در ادامه با اشاره به مفاد قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور گفت: در ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، موقله «علم به‌مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام» نیز قید شده است، به این معنا که ممکن است قصد فرد با قصد دشمن، یکسان نباشد، اما وقتی به او انذار می‌دهند که چنانچه این کار را کنید، همان خواسته دشمن محقق می‌شود و خود به خود به نظام ضربه می‌خورد و فرد، با وجود علم داشتن، مرتکب همان کار می‌شود، در این صورت نیز جرم اخلال در نظام اقتصادی، شکل می‌گیرد و عمل فرد می‌تواند در حفسادفی الارض باشد.

■ حکم قانونی مفسد فی الارض اعدام است

رئیس عدلیه بیان داشت: در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز فساد فی الارض، تعریف و مفسد فی الارض معرفی شده است، یکی از

مصادیق این محبت، اخلال در نظام اقتصادی کشور است. قاضی‌القات ضمن تأکید بر برخورد قانونی و قاطع با مخلان امنیت با روشانی و اقتصادی مردم گفت: کسانی که با عملیات روانی دشمن همراهی می‌کنند، کسانی که علیه معیشت مردم و کسب و کار مردم اقدام می‌کنند، باید با این افراد با توجه به قوانین موجود از جمله «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور» و «قانون مجازات اسلامی» برخورد کرد، این موضوعی است که دادستان‌های ما، دادگاه‌های ما، تجدیدنظر بودا، باید ضابطین و دستگاه‌های امنیتی ما باید به آن توجه و التفات داشته باشند.

محسنی‌زای اظهار کرد: مجازات‌های این مجرمان نیز باید امنیت با شرایط امروز باشد. رئیس دوز پیش، پرورنده‌ای مرتبط با تعزیرات را مطالعه می‌کردم، در آن پرورنده، برای فردی که مقادیر قابل توجهی برنج احتکار کرده بود، مبلغی جریمه لحاظ شده بود؛ اما تأکید کرد که این جریمه لحاظ کردن‌ها کفایت نمی‌کند و ضروری است وفق قانون، با عنایت به شرایط امروز جامعه، مجازات‌های بازدارنده‌ای برای محترکین و سایر افراداخلگران در نظام اقتصادی کشور تجویز کرد.

■ کتاب ره رئیس قوه قضائیه

به دستگاه‌های مجری

رئیس قوه قضائیه با اشاره به ضرورت برخورد با زمینه‌سازان جرم اخلال در نظام اقتصادی

ستادکل نیروهای مسلح: اجازه نمی‌دهیم به امنیت مردم آسیبی وارد شود

رژیم‌صهیونیستی علیه ایران اسلامی افزود: این جنگ نمونه‌ای بر جلسته از تهدیدات ترکیبی بود که فراتر از یک درگیری نظامی گرامیداشت سالگرد حماسه عظیم ۹ دی، این روز را نماد بصیرت، وفاداری و هویشاری ملت ایران نسبت به ولایت فقیه و انقلاب اسلامی دانست و تأکید کرد: ۹دی تنها یک خاطره تاریخی نیست، بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای آینده ایران و ستون استوار امنیت ملی کشور است.

در یخشیی از این بیانیه آمده است: حماسه ۹ دی ۱۳۸۸ پاسخ‌بخش فاطم به فتنه‌ای پیچیده و چندلایه بود که با طراخی اتاق‌های عملیات دشمنان خارجی و همراهی برخی عناصر داخلی، امنیت ملی و انسجام اجتماعی را هدف گرفته بود، اما ملت عاشق‌ورایی ایران با حضور ده‌ها میلیون و آگاهانه خود این توطئه بزرگ را خنثی کرد و مسیر انقلاب را از گذرگاهی خطریر عبور داد.

این بیانیه با تأکید بر ضرورت بازخوانی دائمی ابعاد فتنه ۸۸ و آموزه‌های ۹دی تصریح می‌کند: دشمنان انقلب اسلامی همچنان با ابزار‌های نوین جنگ شناختی، عملیات حکیم و روانه‌سازی در پی بازتولید فتنه‌های مشابه هستند.

امیدداری، تزریق وحشت و ترغیب به تسلیم در برابر دشمن در شرایط کنونی مصادیق بارز رفتارهای فتنه‌انگیزانه‌اند، در مقابل سپاه و بسیج ضمن آمادگی در برابر تهدیدات خارجی، در قبال دسیسه‌های برخی فتنه‌گران متوهم نیز بیدار و آگاه بوده و با هدایت رهبر حکیم و امنیت مردم وارد شود و چنانچه نقشه‌های آنان را خنثی خواهند کرد. این بیانیه با اشاره به تحولات اخیر منطقه و جنگ تحمیلی ۲۲ روزه آمریکا و

مصادیق این محبت، اخلال در نظام اقتصادی کشور است.

قاضی‌القات ضمن تأکید بر برخورد قانونی و قاطع با مخلان امنیت با روشانی و اقتصادی مردم گفت: کسانی که با عملیات روانی دشمن همراهی می‌کنند، کسانی که علیه معیشت مردم و کسب و کار مردم اقدام می‌کنند، باید با این افراد با توجه به قوانین موجود از جمله «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور» و «قانون مجازات اسلامی» برخورد کرد، این موضوعی است که دادستان‌های ما، دادگاه‌های ما، تجدیدنظر بودا، باید ضابطین و دستگاه‌های امنیتی ما باید به آن توجه و التفات داشته باشند.

محسنی‌زای اظهار کرد: مجازات‌های این مجرمان نیز باید امنیت با شرایط امروز باشد. رئیس دوز پیش، پرورنده‌ای مرتبط با تعزیرات را مطالعه می‌کردم، در آن پرورنده، برای فردی که مقادیر قابل توجهی برنج احتکار کرده بود، مبلغی جریمه لحاظ شده بود؛ اما تأکید کرد که این جریمه لحاظ کردن‌ها کفایت نمی‌کند و ضروری است وفق قانون، با عنایت به شرایط امروز جامعه، مجازات‌های بازدارنده‌ای برای محترکین و سایر افراداخلگران در نظام اقتصادی کشور تجویز کرد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به ضرورت برخورد با زمینه‌سازان جرم اخلال در نظام اقتصادی

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت ۹دی: اجتناب از هر اختلاف و سلیقه ضروری است

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت ۹دی اعلام کرد: اجتناب از هر اختلاف و سلیقه ضروری است چرا که هر نوع اختلاف به سود دشمنان است. به گزارش ایرنا، علی‌محمد نائینی در اجتماع هشتم دی مردم رشت در میدان شهر داری این شهر با بیان این مطلب افزود: دشمنان تمرکز روی جنگ شناختی دارند تا ادراک و انسجام جامعه را هدف قرار دهند اما ما با الهام گرفتن از روح حماسه ۹دی و دفاع مقدس جنگ ۱۲ روزه باید این گوهر انسجام ملی و پیروزی و ولایت فقیه را حفظ کنیم و تداوم دهیم.

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت ۹دی در بخش دیگری از سخنان خود به تبیین ۱۲ روزه جنگ پرداخت و افزود: پس از پاسخ موشکی ایران به نام وعده‌صادق ۳ و انتشار تصاویر آن ضمن اینکه پیام اقتدار ایران به جهان مخابره شد، مردم ایران با حضور در خیابان‌ها از نیروهای مسلح و پاسخ موشکی ایران حمایت کردند.

وی بیان کرد: انسجام اجتماعی در جنگ ۱۲ روزه همانند فتنه ۱۳۸۸ بود، چون حضور در نماز جمعه، حمایت همه‌جانبه از عملیات وعده‌صادق ۳، تبدیل جشن غدیر به جشن میلیون ضدصهیونیستی و تشییع باشکوه فرماندهان جلوه دیگری از انسجام ملی بود. نائینی افزود: پاسخ همه‌جانبه ایران در ابعاد مختلف به خصوص پاسخ موشکی و سایبری تمام محاسبات دشمنان را به هم ریخت و مقام معظم رهبری نیز پیام دادند که ایران به هیچ وجه تسلیم نمی‌شود.

وی اضافه کرد: در طول جنگ ۱۲ روزه موشک‌های جدیدی را استفاده کردیم که کارشناسان دشمن اعلام کردند دچار مشکل شده‌اند و معادله جنگ با موشک‌های جدید ایران به طور کامل تغییر کرد.

«نظام سلطه یا عادلانه» مسئله این است

در سال‌های اخیر یکی از خطاهای رایج در تحلیل تقابل ایران و آمریکا، تقلیل یک رویارویی عمیق و تاریخی به چند پرورنده فنی و مقطعی بوده است. گویی همه اختلاف‌ها در چند بند توافقی یا چند گزارش نظارتی خلاصه می‌شود.

این نگاه آگاهانه یا ناآگاهانه صورت مسئله را وارونه می‌کند و اجازه نمی‌دهد ریشه واقعی مسئله دیده شود. آنچه امروز میان ایران و آمریکا جریان دارد نه یک اختلاف موردی بلکه مواجهه دو نگاه متفاوت به قدرت، عدالت و نظم جهانی است.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۹۰ خود نوشته است:

امریکا و متحدانش طی دهه‌ها کوشیدند نظم خاصی را بر جهان تحمیل کنند، نظمی که در آن تصمیم‌گیری‌های کلان جهانی در اتاق‌های بسته چند قدرت محدود انجام می‌شود و سایر کشورها یا باید تبعیت کنند از هزینه‌پردازند.

در این نظم، قانون تا جایی معتبر است که منافع قدرت‌های مسلط را تهدید نکند، تحریم‌های فراگیر علیه ملت‌ها، حمایت آشکار از اشغالگری، سکوت در برابر جنایت‌های جنگی و برخورد دوگانه با ماهیگیری مانند حقوق بشر بخشی از واقعیت عینی این ساختار ناعادلانه است.

ایران از نخستین سال‌های پس از انقلاب عملاً در برابر این منطق ایستاده است، نه به این دلیل که به‌دنبال تنش‌سازی یا ماجراجویی بوده بلکه از آن رو که پذیرش این نظم به معنای چشم‌پوشی از استقلال، هویت و حق تصمیم‌گیری ملی است.

همین استقامتی، ایران را به مسئله‌ای فراتر از یک کشور «نازگار» و با نظم حاکم بر جهان تبدیل کرده است. ایران به نمد مقاومت در برابر زورگویی و تحکم تبدیل شده، نمادی که اگرچه هزینه‌ساز است اما برای بسیاری از ملت‌ها قابل فهم و الهام‌بخش است.

امریکا در این میان تلاش کرده با برجسته‌سازی موضوعاتی مانند برنامه هسته‌ای، چهره‌ای امنیتی از ایران بسازد و افکار عمومی جهان را ریشه اصلی اختلاف منحرف کند، اما تجربه نشان داده حتی در مقاطعی که ایران بیشترین سطح شفافیت و همکاری را پذیرفته، فشارها کاهش نیافته، تحریم‌ها ادامه پیدا کرده، تهدیدها باقی مانده و ادبیات خصمانه تشدید شده است. این رفتار متناقض، خود بهترین شاهد است که مسئله اصلی نه یک پرورنده خاص بلکه اصل ایستادگی ایران در برابر نظم مسلط است، البته همین نظم حاکم امریکایی نیز در حال افول بوده و امریکا دیگر توانی برای محافظت از آن را ندارد و عملاً دوران گذار بین‌المللی شروع شده است.

در میانه همین فضاست که سخنان رهبر انقلاب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به نشست سالانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا تأکید کردند: «سخن از بحث هسته‌ای و چیزهایی از قبیل آن نیست. سخن از مقابله با نظم ناعادلانه و تحکم نظام سلطه در جهان کنونی و روی آوردن به نظام عادلانه ملی و بین‌المللی اسلامی است. این است دعوی بزرگی که ایران اسلامی پرچم آن را برافراشته و روزگوبان فاسد و مفسد را برآشفته است.» این گزاره جمع‌بندی تجربه‌ای طولانی از مواجهه با امریکا و متحدانش است. نظم مردم نظر امریکا، نظمی است که در آن قدرت جای حق را گرفته است. کشوری که زور بیشتری دارد روایت خود را به‌عنوان قانون معرفی و دیگران را به تمکین وادار می‌کند. در چنین چارچوبی طبیعی است که طرح ایده یک نظم عادلانه آن هم با پشتوانه گفتمان اسلامی ختم، از سر دغدغه امنیت جهانی نیست بلکه ناشی از به خطر افتادن یک انحصار تاریخی است.

در این میان رسانه‌های وابسته به جریان سلطه می‌کوشند تقابل ایران و امریکا را به صورت یک نزاع غیرمنطقی و پرهزینه تصویر کنند، گویی مشکل از «هرسخنی» ایران است نه از ساختار ناعادلانه‌ای که اجازه تنفس مستقل به کشورها نمی‌دهد. این روایت‌سازی عمادانه نقش امریکا را به‌عنوان بازیگر اصلی فشار پنهان می‌کند و مسئولیت تنش‌ها را بر دوش قربانی می‌اندازد.

واقعیت اما چیز دیگری است. ایران اگر این پرچم مخالفت با نظم ناعادلانه را برافراشته، بهای آن را نیز پرداخته است. فشار اقتصادی، تهدید امنیتی و هزینه‌های سیاسی بخشی از این مسیر بوده است، اما همین هزینه‌پرداز است که طرح ایران را از سطح شعار فراتر برده و به آن وزن سیاسی داده است. اگر این ایستادگی صرفاً لفظی بود نه چنین واکنش شدیدی برمی‌انگیخت و نه این حجم از دشمنی سازمان‌یافته را به دنبال داشت.

باید پذیرفت که منازعه ایران و امریکا منازعه‌ای کوتاه‌مدت و قابل حل با چند امروز جریان دارد صرفاً یک چالش سیاسی نیست بلکه بخشی از یک جدال تاریخی بر سر آینده نظم جهانی است؛ جدالی که ایران یکی از بازیگران اصلی آن شده است و جایگاه بازیگران در نظم بعدی بستگی به نوع کنشگری در دوران گذار بین‌المللی دارد.